

روایت یک جریان ماندگار خدمت‌رسانی دانشجویی که با سه نفر شروع شد

دختران جلو دار بودند



کار همراهی نمی‌کنند. پوستر طراحی می‌شود و ثبت‌نام‌ها شروع می‌شود. استقبال خانم‌ها از این ایده خیلی خوب است به طوری که مجبور می‌شوند برای کم کردن تعداد داوطلبان مصاحبه‌ای راه بیاندازند. در نهایت ۴۰ نفر خانم باقی می‌ماند و آماده هجرت می‌شوند. دم دمای اردو که می‌شود فرمانداری مخالفت می‌کند، همراهی نمی‌کند و حتی بعد از مدتی دیگر جواب تلفن هم نمی‌دهد. اما این دختران ناامید نمی‌شوند و دست از تلاش برنمی‌دارند. نیرویی در درون آنان است که در مقابل همه‌ی بدقولی‌ها آنان را به سمت هدف می‌کشند. آن‌ها می‌خواهند مسیری تازه در خدمت‌رسانی برای دانشجویان باز کنند و چیزی یارای مقابله با آنان را ندارد. مجدد همه مراحل را از اول شروع می‌کنند به دنبال منطقه‌ای کمتر برخوردار می‌گردند تا بتوانند به آنجا بروند. در این بین یکی از دختران که اهل بلده است، از طریق پدر ایشان با مسئولان منطقه هماهنگی‌ها صورت می‌گیرد و سفر شناسایی سه نفره‌ی این دختران برگزار می‌گردد.

همین جا خوب است!

مردم بومی منطقه برای بحث پزشکی و بحث‌های معرفتی و احکام کمک نیاز دارند. به سرعت و با همراهی مسئولان منطقه، روستا آماده حضور جهادگران دانشگاه تهران می‌گردد. در گیرودار حرکت، چند تن از آقایون دانشگاه هم به عنوان آشپز و انجام کارهای خدماتی همراه گروه می‌شوند. حالا ۴۰ دختر و ۲ پسر در حال حرکت به منطقه هستند.

سال ۸۲ تحویل می‌شود. چند سالی می‌شود که مقام معظم رهبری سال‌ها را نام‌گذاری می‌کنند. سال ۸۲ با نام خدمت و خدمت‌گذاری توسط ایشان نام‌گذاری شده است. دانشجویان دختر دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران آرام و قرار ندارند که در راستای این نام‌گذاری برای مردم و به لیبیک از رهبرشان کاری انجام بدهند. با آن سن کم‌شان می‌نشینند و برنامه‌ریزی می‌کنند می‌خواهند همانند جهادگران جهاد سازندگی خدمت را به مناطق محروم ببرند. منطقه‌ی ورامین و چند روستا در آنجا را پس از بررسی‌های جانبی انتخاب می‌کنند و با فرمانداری هماهنگ می‌شوند. این دختران خوشحالند که کارها به خوبی در حال برگزاری است و امسال اولین اردوی جهادی در دانشگاه تهران برگزار می‌شود. آقایان درگیر کارهای معمول بسیج هستند و در این

فرناز ایزدین
پژوهشگر



کانون خدمت‌رسانی دانشگاه تهران

www.nshoc.ir